

توصیف نمادین انسان‌ها و موجودات افسانه‌ای در شاهنامه فردوسی

چکیده

شاهنامه سرشار از تقابل اسطوره و افسانه با انسان است. در واقع، روایتی است از موجودات عجیب و غریب، انسان‌های قدرتمند و پهلوان، حیوانات و گیاهان خاص که همه نشان‌دهندهٔ ساحت زیست اساطیری انسانی است. مسئله‌ای که این پژوهش دنبال می‌کند بازشناسی فرم و شمایل هنری و نمادین انسان و موجودات افسانه‌ای در شاهنامه فردوسی است. شاهنامه آینهٔ خاطرات مردمی است با چشم‌انداز جغرافیایی وسیع و آداب و رسوم و پهلوانان سترگ گذشته است. هر بیت از شاهنامه ما را با شخصیت‌ها و موجودات اساطیری و افسانه‌ای، پهلوانان، جوامع، سلاح‌ها، تدابیر جنگی، رویکردها و اندیشه‌ها و زندگی‌های خاصی آشنا می‌کند. فردوسی روایت‌گر صرف اساطیر ایرانی نیست، بلکه او با تلفیق اسطوره و تاریخ، تلاش می‌کند روایتی هنری از عناصر اسطوره‌ای تاریخ ایران را بیان کند. در پژوهش حاضر، تلاش شده است تا براساس مکتب پدیدارشناختی میرچا الیاده، فرم و شمایل هنری موجودات اساطیری و عجیب و غریب مورد بررسی قرار گیرند. چنین به نظر می‌رسد، فردوسی در شاهنامه با بهره‌گیری از تمهیدات هنری و زیبایی‌شناسانه از یک سو، و نیز بیان خصیصه‌های کارکردی موجودات و عناصر اساطیری از سوی دیگر، توانسته است ساحت‌های اسطوره‌ای، حماسی و تاریخی شاهنامه را براساس ویژگی‌های روایی و هنری هر دوره به تصویر بکشد.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی توصیفات نمادین انسان و موجودات افسانه‌ای در شاهنامه فردوسی.
۲. بررسی فرم و شمایل موجودات افسانه‌ای شاهنامه با تکیه بر مکتب پدیدارشناسی میرچا الیاده.

سوالات پژوهش:

۱. فردوسی انسان‌ها و موجودات افسانه‌ای را چگونه به شکلی نمادین توصیف کرده است؟
۲. فرم و شمایل انسان‌ها و موجودات افسانه‌ای شاهنامه را چگونه می‌توان با تکیه بر مکتب پدیدارشناسی میرچا الیاده توصیف کرد؟

کلیدواژه‌ها: شاهنامه، اسطوره، موجودات عجیب و غریب، پدیدارشناسی، میرچا الیاده.

اسطوره^۱ اصطلاحی کلی است که به روایتی نمادین در مذهب دلالت دارد؛ به طوری که از اعمال نمادین (آیین و مراسم)، مکان‌ها و امور نمادین (معبدها و تندیس‌ها) قابل تمیز است. در حقیقت، اسطوره تاریخ نخستین و معنوی یک جامعه است و از این نظر، با زبان آن جامعه کاملاً قابل مقایسه است. «زبان و اسطوره که هر دو کارکردی مشترک دارند و در انحصار متون ادبی‌اند، حقایق مربوط به گذشته‌های دور را برای ما بازگو می‌کنند» (آموزگار، ۱۳۹۱: ۱۸۶). بنابراین اسطوره تنها آن بخش را که واقعاً رخ داده و خود را به کمال نشان داده است، بیان می‌کند. نقش آفرینان اسطوره موجودات فراطبیعی هستند. «آن‌ها در وهله نخست با آنچه که در زمان‌های ماورای ادراک و بر راز «آغاز» انجام داده‌اند، شناخته می‌شوند» (همان: ۱۸۷). در نهایت می‌توان با استناد به گفته میرجا الیاده اسطوره‌شناس و مردم‌شناس شهیر معاصر، ساختار اسطوره را این‌گونه جمع‌بندی کرد: (۱) اسطوره تاریخ کارهای موجودات فوق طبیعی را تشکیل می‌دهد؛ (۲) این تاریخ و سرگذشت مطلقاً درست و راست و قدسی است؛ (۳) اسطوره همیشه به آفرینش و تکوینی مربوط می‌شود، حکایت می‌کند که چگونه چیزی به عرصه وجود رسیده است؛ (۴) شناخت اسطوره به معنی شناخت اصل اشیاء و دانستن چگونگی پیدایش آن‌هاست؛ معرفتی بیرونی و انتزاعی نیست، بلکه معرفتی است که به طریقی آیینی همیشه زنده است و با آن زندگی می‌کنند؛ (۵) اساطیر، آشکارکننده سرمشق‌های نمونه‌وار همه آیین‌ها و فعالیت‌های معنی‌دار آدمی است که او را در همه‌ی کارها راهنمایی می‌کنند» (الیاده، ۱۳۶۲: ۲۷-۱۵).

اسطوره کلمه‌ی معرب است که از واژه‌ی یونانی هیستوریا^۲ به معنی «جستجو، آگاهی و داستان» گرفته شده است برای بیان مفهوم اسطوره در زبان‌های اروپایی از بازمانده‌ی واژه‌ی یونانی میتوس^۳ به معنی «شرح، خبر و قصه» استفاده شده است (آموزگار، ۱۳۸۱: ۳). در زبان عربی، اساطیر جمع مکسر واژه‌ی اسطوره است. در زبان فارسی نیز این صورت جمع به کار رفته است، اما از آن، اغلب معنای مجموعه دستاورد یک قوم در زمینه و ساحت اعتقادی مستفاد می‌شود. مانند اساطیر ایرانی، اساطیر یونانی و جز آن، که مقصود از آن تنها کنار هم چیدن تعدادی اسطوره‌ی پراکنده نیست، بلکه اساطیر یک قوم به صورت یک مجموعه مدنظر است. اما این‌گونه معنا و مفهوم واژه‌ی اساطیر در زبان فارسی عمومیت ندارد و گاه اصطلاح اساطیر جز در کنار هم قرار داشتن ساده‌ی اسطوره‌ها معنایی نمی‌دهد و فقط همان جمع مکسر واژه‌ی اسطوره است.

از جمله موجودات ایزدی انسانی در شاهنامه می‌توان به ایزد مهر (بهار، ۱۳۸۴: ۲۲۶) و ایزد سروش (آموزگار، ۱۳۸۱: ۳۰). و یا جمشید (رستگار فسایی، ۱۳۸۸: ۳۱۱/۱؛ برهان قاطع، ۱۳۴۲: ذیل «جمشید»). و ضحاک (آموزگار، ۱۳۸۱: ۳۰). در شاهنامه اشاره کرد که هم دارای کارکردهای گوناگون می‌باشند و هم شمایل زیبایی‌شناسانه‌ای منحصر به وظایف و خصیصه‌های ذاتی‌شان دارند. در خصوص موجودات اساطیری عجیب‌الخلقه تمرکز تحقیق حاضر بر روی دیوان و موجوداتی چون سیمرغ و اژدها و ... در شاهنامه می‌باشد. در حقیقت، هستی‌شناسی جهان ایرانی به همان باورها که در تخیلات ما وجود دارد. ما این باورها را داریم این‌ها ریشه‌ی اسطوره‌های چندهزارساله دارد در فطرت و ناخودآگاه ما نهفته است. و به همین دلیل شاهنامه چون با ذات ما و با اسطوره‌های ما و با ناخودآگاه هستی‌شناسی ما ارتباط دارد همچنان برای ما زنده و جذاب است و اما یک بخشی از آن در ژرفا به سر می‌برد.

^۱ . Myth

^۲ - historia

^۳ - mytos

نتیجه‌گیری

در شاهنامه حیوانات و موجودات عجیب و غریبی وجود دارند که با شخصیت‌های اساطیری داستان ارتباط نزدیک دارند و در واقع، برخی از این موجودات عجیب‌الخلقه همچون اژدها و سیمرغ و . . . نقش مهمی را در روند داستان و فرهنگ ایرانی در شاهنامه ایفا می‌کنند. نقش برخی از ایزدان و انسان‌ها و حیوانات به قدری پررنگ است که می‌توان آن‌ها را در شمار شخصیت‌پردازی‌های فردوسی محسوب کرد و از ارتباط آن‌ها با شخصیت انسانی می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که عشق و مهرورزی برخی از این موجودات به مراتب قوی‌تر از انسان‌ها است. در تحقیق حاضر تلاش شد تا این موجودات عجیب‌الخلقه و انسان‌های اساطیری را براساس مکتب اسطوره‌شناختی میرچا الیاده (مکتب پدیدارشناختی) مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد. هر کدام از این موجودات به شیوه‌ای هنرمندانه با اساطیر و قهرمانان ملی ایرانیان هماهنگی دارند. موجودات مطرح‌شده را ذیل سه طبقه تقسیم‌بندی شدند: موجودات ایزدی- انسانی، دیوان و موجودات اساطیری. بیشترین توجه بر موجودات انسانی و اساطیری بوده است. مهم‌ترین ویژگی‌ها و خصیصه‌های کارکردی و زیبایی‌شناسانه موجودات انسانی و اساطیری در شاهنامه به‌مثابه جایگاه وجودی هر کدام از آن‌ها، عمدتاً به‌عنوان بازتاب‌دهنده نیروی خیر و شر در عالم مطرح بوده‌اند. در واقع، تمامی موجودات ایزدی و اساطیری و یا پادشاهان پیشدادی همه به‌لحاظ وجودی، در یک‌سوی خیر و یا شر قرار دارند و با چنین ساحت وجودی است که می‌توان تقابل‌های تازه‌ای را براساس امر زیبایی‌شناسانه در شاهنامه پیدا کرد. تقابل‌هایی که براساس رویکرد پدیدارشناختی میرچا الیاده به‌روشنی امکان شناخت آن‌ها میسر خواهد شد. نتیجه تحقیق حاضر نشان می‌دهد که فردوسی در شاهنامه، با بهره‌گیری از تمهیدات هنری و زیبایی‌شناسانه از یک‌سو، و نیز بیان خصیصه‌های کارکردی موجودات و عناصر اساطیری از سوی دیگر، توانسته است ساحت‌های اسطوره‌ای، حماسی و تاریخی شاهنامه را براساس ویژگی‌های روایی و هنری هر دوره، به‌تصویر بکشد.

از همین‌رو، شاهنامه را به‌عنوان یک حماسه ملی-میهنی، نه تنها می‌توان چکیده‌ای از کل اساطیر ایران باستان به شمار آورد، بلکه به‌لحاظ وجودی، جلوه‌گاه مبارزه ابدی خیر و شر دانست. این جلوه‌گاه ازلی-ابدی، در خوانش فردوسی، به‌لحاظ اسطوره‌شناختی و آیینی، روایتی پر فرازونشیب و به‌لحاظ زیبایی‌شناختی، روایتی خلاقانه می‌باشد. فردوسی به زیبایی تمام در اکثر داستان‌های اساطیری‌اش، نه تنها این ساحت اسطوره‌شناختی و آیینی را حفظ و بر آن پافشاری کرده است، بلکه نقش‌ها و شمایل‌های اساطیری را به‌گونه‌ای هنری به تصویر کشیده است. به‌تعبیری دیگر می‌توان شاهنامه را جلوه‌گاه و منظومه بلندی از داستان‌های اساطیری ایرانیان دانست که پر است از موجودات اساطیری و عجیب و غریب آن‌هم در قالب و شمایی هنری و زیبایی‌شناسانه. موجوداتی انسانی و غیرانسانی که به فراخور داستان‌های حماسی و اساطیری، زنده می‌شوند. اساساً موجودات اساطیری موجود در شاهنامه آن‌قدر فراوان‌اند که می‌توان چندین پژوهش در مورد آن‌ها نگاشت.

منابع

آموزگار، ژاله. (۱۳۸۱). تاریخ اساطیری ایران، تهران: انتشارات سمت.

- اردلان جوان، علی. (۱۳۸۵). تجلی شاعرانه اساطیر و روایات تاریخی و مذهبی اشعار خاقانی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- اسلامی ندوشن، محمدعلی. (۱۳۷۴). داستان داستان‌ها، چاپ پنجم، تهران: نشر آثار.
- اسماعیل پور، ابوالقاسم. (۱۳۸۷). اسطوره، بیان نمادین، تهران: نشر سروش.
- اکبری مفاخری، آرش. (۱۳۸۹). «هستی‌شناسی دیوان در حماسه‌های ملی بر پایه شاهنامه فردوسی»، یزد، فصلنامه علمی پژوهشی کاوش‌نامه، شماره ۲۱.
- الیاده، میرچا. (۱۳۶۲). چشم‌اندازهای اسطوره، ترجمه: جلال ستاری، تهران: انتشارات توس.
- براتی، بهاره؛ کفشچیان مقدم، اصغر. (۱۳۹۱). «ویژگی‌های اژدها در نگارگری عصر صفوی با تأکید بر توصیفات شاهنامه فردوسی». نشریه هنرهای زیبا هنرهای تجسمی، شماره ۴۹.
- بهار، مهرداد. (۱۳۸۱). از اسطوره تا تاریخ، تهران: چشمه.
- بهرامی، مهدی. (۱۳۹۲). «نقش فرم در پرداخت محتوا در هنرهای تجسمی»، مجله پژوهش‌های مهدوی، شماره ۷، صص ۱۵۸-۱۳۹.
- حمیدیان، سعید. (۱۳۷۱). «نقش هنری عناصر اساطیری در شاهنامه»، نشر دانش، شماره ۷۲، صص ۱۵-۱۱.
- خلف تبریزی، محمدحسین. (۱۳۴۲). برهان قاطع، به کوشش محمد معین، ۵ جلدی، تهران: نشر ابن سینا.
- دادگی، فرنخ. (۱۳۶۹). بندهش، گزارنده دکتر مهرداد بهار، تهران: انتشارات توس.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رستگار فسایی، منصور. (۱۳۸۳). پیکر گردانی در اساطیر، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- رضایی، سید مهدی. (۱۳۸۴). آفرینش و مرگ در اساطیر، تهران: انتشارات اساطیر.پ.
- رضی، هاشم. (۱۳۷۱). آیین مهر و میتراپیسم، تهران: نشر بهجت.
- زهر، آر. سی. (۱۳۸۴). زروان یا معمای زرتشتی‌گری. ترجمه: تیمور قادری، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- زرقانی، ابراهیم. (۱۳۸۷). «رخش و ویژگی‌های او در شاهنامه فردوسی»، فصلنامه تخصصی ادبیات فارسی دانشگاه آزاد مشهد، شماره ۱۹.
- سرکاراتی، بهمن. (۱۳۷۸). «بنیان اساطیری حماسه ملی ایران». سایه‌های شکار شده، ش ۴.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۶۹). تاریخ ادبیات ایران. ج ۱ و ۲، تهران: انتشارات فردوس.
- صمدی، مهرانگیز. (۱۳۶۷). ماه در ایران، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ضیمران محمد. (۱۳۷۹). گذر از جهان اسطوره به فلسفه. تهران: نشر هرمس.
- طوسی، محمدبن محمودبن‌احمد. (۱۳۴۵). عجایب‌المخلوقات، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- فخراسلام، بتول؛ لسانی، وحید. (۱۳۹۷). نگین شهریار و نگار پهلوانی در انگاره‌های سیاسی شاهنامه‌ی فردوسی. چاپ دوم، نیشابور: ابرشهر.
- فخراسلام، بتول. (۱۳۸۳). «همانندی‌های سیاسی شاهنامه‌ی فردوسی با بوستان سعدی»، ادبیات فارسی (دانشگاه آزاد مشهد)، شماره ۳ و ۴.
- فردوسی. (۱۳۸۴). شاهنامه. براساس چاپ مسکو، به کوشش: سعید حمیدیان، چاپ هفتم، تهران: قطره.
- کانت، ایمانوئل. (۱۳۹۳). نقد قوه حکم. ترجمه عبدالکریم رشیدیان، تهران: نشر نی.
- کرتیس، جان. (۱۳۷۹). ایران باستان. ترجمه، علی اصغر بهرامی، تهران: نشر توسعه.

کزازی، میرجلال‌الدین. (۱۳۶۸). از گونه‌ای دیگر. تهران: نشر مرکز.
مسکوب، شاهرخ. (۱۳۷۴). تن پهلوان و روان خردمند، تهران: شر طرح نو.
مورنو، آنتونیو. (۱۳۷۶). یونگ، خدایان و انسان مدرن. ترجمه داریوش مهرجویی، تهران: نشر مرکز.
میرفخرایی، مهشید. (۱۳۶۶). آفرینش در ادیان، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
نامی، غلامحسین. (۱۳۷۱). مبانی هنرهای تجسمی، تهران: انتشارات توس.
واحددوست، مهوش. (۱۳۸۷). نهادینه‌های اساطیری در شاهنامه فردوسی. چاپ دوم، تهران: انتشارات سروش.
وارنر، رکس. (۱۳۹۵). دانشنامه اساطیر جهان، ترجمه: ابوالقاسم اسماعیل‌پور، تهران: انتشارات هیرمند.
وزیری، علینقی. (۱۳۶۹). تاریخ عمومی هنرهای مصور، چاپ دوم، تهران: انتشارات پژمان.
هینلز، جان. (۱۳۹۳). شناخت اساطیر ایران. برگردان ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران: نشر چشمه.
یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۷۵). فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و نشر سروش.

Bell, C. (۲۰۱۱). Art, Create Space Publisher.

Ocvirk, Otto G, Stinson, Robert E, Wigg, Philip R, Bone, Robert, Cayton, David L. (۲۰۰۸). Art Fundamentals: Theory and Practice, McGraw-Hill Higher Education.

Summers, D. (۱۹۹۰). The Judgment of Sense: Renaissance Naturalism and the Rise of Aesthetics, Publisher Methuen, Cambridge University Press.